

مخاطب‌شناسی و اصول حاکم بر آن در نهادهای سازی فرهنگ از منظر قرآن

vahid.oghi@gmail.com
v-naghipoor@qom.ac.ir

ک وحید وثوقی‌راد / استادیار گروه مدیریت اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
ولی‌الله نقی پورفر / دانشیار گروه معارف، دانشگاه قم
دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

چکیده

نهادهای سازی فرهنگ یعنی تعمیق و تثبیت باورها، ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب و موردپسند کارگزاران اصلی اداره جامعه در سطوح متفاوت حاکمیتی. در ادبیات رایج، الگوهای متفاوتی در باب نهادهای سازی مطرح شده است که غالباً برگرفته از رویکردهای معرفتی حاکم بر جوامع غربی است. یکی از وظایف اصلی پژوهشگران فعال در حوزه علوم انسانی اسلامی، تبیین نظری و طراحی الگوهای متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است؛ از این‌رو هدف اصلی این تحقیق بررسی «مخاطب‌شناسی و اصول حاکم بر آن در نهادهای سازی فرهنگ از منظر قرآن» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی الگوی موردنظر می‌باشد. بنابراین یکی از وظایف مهم کارگزاران، نهادهای سازی، شناسایی مخاطبان، طبقه‌بندی آنها و توجه به این طبقه‌بندی در جریان نهادهای سازی فرهنگ است. در حقیقت، متناسب با طبقه‌بندی مخاطبان، نوع برخورد با آنها نیز متفاوت می‌شود که می‌تواند در قالب اصول حاکم در برخورد با مخاطبان مورد بررسی قرار گیرد، اگر به تفاوت‌های مخاطبان در نهادهای سازی و اصول حاکم در برخورد با آنها توجه نشود، نتایج مورد انتظار محقق نخواهد شد. در این تحقیق، از روش تدبیر در قرآن (نقلی و حیاتی) با توجه به راهبرد ظاهرشونده داده‌بنیاد استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که «نهادهای سازی از منظر قرآن فرایندی است پیوستارگونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد». متناسب با تعریف مذکور می‌توان مخاطبان نهادهای سازی را با استفاده از قرآن کریم در دو دسته مخاطبان داخل اسلام و خارج از اسلام طبقه‌بندی کرد که در برخورد با آنها رعایت برخی اصول راهبردی و کاربردی ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مخاطب‌شناسی، نهادهای سازی، از منظر قرآن.

هدف اصلی از انقلاب اسلامی مطابق قانون اساسی، ایجاد نظامی بر پایه ایمان به خدا و اختصاص حاکمیت به او و لزوم تسلیم در برابر اوامر خداوند است (اصل دوم قانون اساسی). در حقیقت، وحی الهی و ارزش‌های والای اسلامی در بیان قوانین و چگونگی اداره جامعه نقش بنیادین دارند. از این رو تمامی ارکان تشکیل‌دهنده نظام مقدس جمهوری اسلامی باید در همین راستا حرکت کنند و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی بازوان اصلی تحقق ارزش‌های اسلامی و زمینه‌ساز حرکت جامعه به سوی ارزش‌ها باشند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۳۴۵). پس در گام اول، مسئولان حاکمیتی در سطوح مختلف باید تلاش کنند که فرهنگ حاکم بر سازمان‌های تحت نظارت آنها برگرفته از ارزش‌های اسلامی باشد. باین‌حال، در عمل مشاهده می‌کنیم که با وجود گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، آن‌گونه که باید و شاید به ارزش‌های اسلامی توجه لازم نشده یا اگر در مقطعی به ارزش‌ها توجه شده، تلاشی برای نهادینه‌سازی آنها انجام نگرفته است. یکی از دلایل اصلی این امر، نبود الگوی اسلامی نهادینه‌سازی و عدم آشنایی کارگزاران حاکمیتی با وظایف خود در این زمینه است. در ادبیات رایج، الگوها و نظریات متفاوتی در موضوع نهادینه‌سازی وجود دارد که غالباً برگرفته از مبانی و پیش‌فرض‌های غربی است. با توجه به تأثیر مبانی و پیش‌فرض‌ها در نظریه‌ها و الگوها، یکی از وظایف اصلی پژوهشگران علوم انسانی - اسلامی فعال در حوزه‌های علمی مرتبط با نهادینه‌سازی (مدیریت، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم سیاسی)، تبیین نظری و طراحی الگوهای متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است.

نکته مهم دیگری که باید بدان توجه داشت، این است که نهادینه‌سازی یک برساخته پیچیده است که مشتمل بر مبانی، مفاهیم، لوازم، فرایندها، نتایج و... است و یک مفهوم یا واژه بسیط نیست که با واژگان قرآنی مقایسه شود. از این رو ارائه الگوی کامل از نهادینه‌سازی با رویکرد قرآنی نیازمند یک تحقیق مبسوط و استخراج چارچوب و مؤلفه‌های اصلی است و محقق توفیق داشته است که این مهم را در قالب رساله دکتری انجام دهد. نتیجه حاصله استخراج الگوی نهایی نهادینه‌سازی از منظر قرآن می‌باشد که مؤلفه‌های اصلی آن عبارت‌اند از:

- ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن؛
- راهبرد اصلی حکومت در نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
- وظایف حاکمیت در نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
- الزامات نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
- تسهیل‌گرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن؛
- مخاطب‌شناسی و اصول حاکم بر آن در نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
- محتوای نهادینه‌سازی از منظر قرآن.

در این مقاله به مؤلفه «مخاطب‌شناسی و اصول حاکم در برخورد با آنها از منظر قرآن» به‌عنوان یکی از این مؤلفه‌های اصلی الگو پرداخته می‌شود. برای اجرایی نمودن این رویکرد، پیمودن چند گام اساسی ضروری است. در گام نخست باید

ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی در ادبیات رایج روشن شود تا بتوان با تصویری واقعی آن را به منابع اسلامی عرضه نمود. در گام بعدی، شناسایی و مشخص نمودن مفاهیم مترادف یا نزدیک به مفهوم نهادینه‌سازی در قرآن کریم برای ارائه تعریفی متناسب با مبانی اسلامی، ضروری است؛ و در گام بعدی، با توجه به مفهوم‌شناسی مذکور، مخاطب‌شناسی و اصول حاکم در برخورد با آنها از منظر قرآن بیان شود. در ادامه به ترتیب به تبیین گام‌های فوق پرداخته خواهد شد.

ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی در ادبیات رایج

از واژه‌های «نهاد» و «نهادینه‌سازی»، با توجه به دیدگاه‌های متفاوت، تعاریف متعددی ذکر شده و این امر هم ناشی از وجود دیدگاه‌های متفاوت نسبت به دوره نهادی است. از این رو باید به این نکته توجه داشته باشیم که در بررسی نهادینه‌سازی توجه به الگوهای متفاوت و در نظر گرفتن آنها امری ضروری است. با مراجعه به ادبیات مرتبط با این موضوع، بین گروه‌ها و تاریخ و جوه مشابهی وجود دارد؛ ولی در مورد جزئیات اختلاف‌های زیادی را می‌بینیم.

ریچارد اسکات در مقاله خود با عنوان «دوره رشد کامل نظریه نهادی» با توجه به مطالعات نظریه‌پردازان، نظریه نهادی، را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و با همین هدف، تحقیقات تجربی در این زمینه را درباره انواع بحث‌هایی که به‌تازگی درباره رابطه عوامل نهادی با ساختار سازمانی و عملکرد انجام شده‌اند، مورد بررسی قرار داده است (اسکات، ۱۹۸۷؛ اسکات، ۲۰۰۹، ص ۲۱۵). وی به‌صورت گذرا چهار الگوی جامعه‌شناسی ارائه می‌نماید که ارائه‌کننده‌های این الگوها هر کدام مدعی هستند که همواره نهاد را در کانون توجه قرار داده‌اند (اسکات، ۱۹۸۷).

الگوی نهادینه‌سازی فرایندی برای تلفیق ارزش‌ها

در این الگو منظور از «نهادینه‌سازی» چیزی جز یک فرایند سازگاری با محیط نیست. به عبارت مهم‌تر، نهادینه‌سازی «یعنی تلفیق ارزش‌ها در سطحی بالاتر از الزامات یا شرایط و نوع کاری که در حال انجام شدن است» (سلزنیک، ۱۹۵۷، ص ۱۷). در الگوی سلزنیک بر اهمیت تاریخ تأکید می‌شود؛ یعنی «تاریخ طبیعی» سیر تکامل یک موجود زنده است که با گذشت زمان همواره خود را با شرایط در حال تغییر وفق می‌دهد. طبق اظهارنظر پرو (پرو، ۱۹۸۶، ص ۱۵۷)، برای تجزیه و تحلیل نهاد باید کل سازمان را تجزیه و تحلیل کرد. با در نظر گرفتن ویژگی «ارگانیسم» سازمان، اگر بخواهیم عدالت رعایت شود، باید سازمان را در قالب یک کل مورد توجه قرار دهیم.

الگوی نهادینه‌سازی فرایندی برای خلق واقعیت

دومین و سومین الگوی نظری، بیشتر مدیون آثار پیتر برگر است. کامل‌ترین و اثرگذارترین دیدگاه برگر در مورد نهادینه‌سازی را باید در اثری مشاهده نمود که با نویسنده دیگری به نام لاکمن منتشر کرد. پرسش اصلی در این اثر این است که ماهیت و منشأ نظم اجتماعی چیست؟ (اسکات، ۱۹۸۷)

بحث اصلی این است که نظم اجتماعی بر پایه یک واقعیت مشترک اجتماعی قرار دارد و آن هم به نوبه خود چیزی جز ساخته دست بشر نیست که در سایه روابط متقابل اجتماعی به وجود می‌آید. در این دیدگاه به این واقعیت توجه می‌شود که مرد یا زن، به عنوان یک ارگانیسم بیولوژیکی زنده، در الگوی فطری با محدودیت‌ها یا عوامل محدودکننده بسیار کمی روبه‌رو می‌شود؛ ولی همین محدودیت‌ها یا عوامل محدودکننده، در قالب نظم اجتماعی به وجود می‌آیند. (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱، ص ۶۹-۷۰). برگر و لاکمن همانند سلزنیک بر نیاز به به کارگیری دیدگاه تاریخی تأکید کردند. از منظر آنها، نهادینه‌سازی مستلزم گذر از سه مرحله یا سه مقطع زمانی است: برون‌گرایی (externalization)؛ عینیت‌گرایی (objectivation) و درون‌گرایی (internalization). ما و همکاران دست به عمل می‌زنیم (برون‌گرایی)؛ ولی هر دوی ما این عملیات را به عنوان یک واقعیت خارجی و جدا از خود تفسیر می‌نماییم (عینیت‌گرایی)؛ گذشته از این، ما این دنیای عینی را تبدیل به درون‌گرایی می‌کنیم؛ یعنی درصد برمی‌آییم تا ساختار ذهنی از نوع آگاهی را مشخص نماییم (نهادینه شدن) (ووتنو، ۱۹۸۴، ص ۳۹).

مایر و روثان در مقاله بسیار مشهور خود با عنوان «سازمان‌های نهادینه‌شده: ساختار رسمی به مانند آداب و رسوم»، درباره سازمان‌های نهادینه‌شده از دیدگاه برگر و لاکمن حمایت کردند و آن را مورد تأیید قرار دادند، از منظر ایشان، نهادینه‌سازی مستلزم فرایندهایی است که در آن فرایندهای اجتماعی در قالب تعهدات یا آنچه در واقع انجام می‌شود، به صورت عمل و اندیشه اجتماعی و مبتنی بر بستر نظام صورت می‌گیرند (مایر و روثان، ۱۹۷۷). زاکر نیز همین صدا را منعکس کرد و بر این دیدگاه تأکید نمود که سازمان دارای شکل نهادینه‌شده است بر تأکید زیادی نمود (زاکر، ۱۹۸۸، ص ۱).

سیستم‌های نهادی به عنوان یک طبقه از عناصر

در دیدگاه سوم از نظریه نهادی، بر روی این موضوع تأکید می‌شود که سیستم‌های اعتقادات نهادینه‌شده، به صورت طبقه متمایزی از عناصر درمی‌آیند که می‌توان براساس آنها ساختار سازمانی را توضیح داد. در این دیدگاه به جای تأکید بر ویژگی‌های سیستم اعتقادات عمومی، بر گونه‌ای از منابع یا مجموعه‌ای از احکام یا دستورات بی‌طرفانه و منطقی تأکید می‌شود که می‌توان به وسیله آنها هدف‌های مختلف اجتماعی را شناسایی کرد و برای تأمین آنها، از روش‌های مناسبی که مشروعیت می‌یابند، استفاده نمود (مایر و روثان، ۱۹۷۷). در این دیدگاه منابعی را نهادینه می‌نامند که وجود و اثربخشی آنها در معیار و شاخصی قرار دارد که ورای اختیارات سازمان یا فرد مشارکت‌کننده قرار می‌گیرند.

بر همین مبنا، اسکات و مایر محیط فنی را این گونه تعریف کردند: «آنچه در درون آن، کالا یا خدمتی در بازار تولید می‌شود و دادوستد می‌شود؛ به گونه‌ای که سازمان‌ها به سبب اعمال کنترل اثربخش و کارایی در فرایند انجام کارها، به انجام صحیح آنها پاداش می‌دهند» (مایر و اسکات، ۱۹۸۳، ص ۱۴۰).

نهاد به‌عنوان یک حوزه متمایز اجتماعی

مقصود از نهاد اجتماعی یک سیستم نسبتاً بادوام از باورهای اجتماعی و شیوه‌های عمل سازمان‌یافته در جامعه است که در زمینه‌های مختلف در درون سیستم اجتماعی (مذهب، کار، خانواده و سیاست) انجام می‌شود. در بیشتر این تعریف‌های سنتی، نهاد اجتماعی از این زاویه مورد توجه قرار می‌گیرد که از یک سو سیستم‌های نمادین (هنجاری و شناختی) و از سوی دیگر، سیستم‌های رفتاری هستند و بر مسئلهٔ تداوم و ثبات به‌عنوان یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده تأکید می‌شود (اسکات، ۱۹۸۷). برای مثال، هیوز در بحث بسیار مشهور و اثرگذار خود چنین می‌گوید: اغلب واژهٔ «نهاد» در مورد ویژگی‌هایی از زندگی اجتماعی به‌کار برده می‌شود که دوام آن بیش از نسل‌های بیولوژیک است یا می‌توان در برابر تغییرات اجتماعی (که انتظار می‌رود به هستی آنها پایان دهد)، مقاومت نماید و به حیات خود ادامه دهد... انسان‌ها تمایل دارند که مسیر برای آنها مشخص شود. تردیدی نیست که سایر حیوانات هم تمایل مشابهی دارند؛ ولی تنها انسان است که تعداد زیادی از شیوه‌های رفتاری را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند؛ و فقط انسان است که برای این نوع رفتار خود دلیل‌هایی ارائه می‌نماید و به آنها ارج می‌نهد و برای قدمت آنها ارزش قائل می‌شود (هیوز، ۱۹۳۹، ص ۲۸۳).

بحث هرگز دربارۀ نهادهای اجتماعی نیز اثرهای مهمی بر جای گذاشت. او به هنگام بیان این مطلب، بر مضمون و درون‌مایهٔ این دیدگاه تأکید کرد. وی بر اهمیت جنبه‌های خارجی ماهیت الگوهای نهادینه‌شده - که دارای نقشهٔ قدیمی و سرنوشت‌ساز هستند - تأکید زیادی نمود (هرتزگر، ۱۹۶۱، ص ۸۴).
در جدول ۱، خلاصه‌ای از الگوهای چهارگانهٔ نظریهٔ نهادی ارائه خواهد شد.

جدول ۱: خلاصهٔ الگوهای چهارگانهٔ نظریهٔ نهادی (جمع‌بندی محقق)

نظریه	نظریه‌پرداز	خلاصه نظریه
تلفیق ارزش‌ها	فیلیپ سلزینگ	انسان می‌تواند دنیایی را به وجود آورد و سپس او می‌تواند آن را به‌عنوان چیزی غیر از دستاورد یا محصول انسان، تجربه نماید.
خلق واقعیت	پیتر برگر	افراد یک تعریف مشترک از واقعیت اجتماعی را می‌پذیرند - مفهومی که اعتبار آن مستقل از دیدگاه‌ها و عملیات شخصی فرد است.
یک طبقه از عناصر	مایر و رونان	سازمان‌ها مجموعه‌ای از اعتقادات یا باورهای نهادینه‌شده را می‌پذیرند، البته نه بدان سبب که آنها به‌صورت «واقعیت» یا یک فرض مسلم درآمده‌اند؛ بلکه بدان سبب که سازمان با چنین اقدامی به پاداش نیکو دست می‌یابد.
یک حوزه متمایز اجتماعی	هیوز	مقصود از نهاد اجتماعی، یک سیستم نسبتاً بادوام از باورهای اجتماعی و شیوه‌های عمل سازمان‌یافته در جامعه است که در زمینه‌های مختلف در درون سیستم اجتماعی (مذهب، کار، خانواده و سیاست) انجام می‌شود.

ره‌توشه: نکتهٔ کانونی در تمامی این چهار الگوی بیان‌شده - که می‌تواند نقطهٔ اشتراک همهٔ آنها باشد - عبارت است از معنا و مفهوم نهادینه‌سازی که تقریباً برابری همهٔ آنها عبارت‌است از: ایجاد، تداوم، ماندگاری و تثبیت؛ حال چه خلق ارزش یا واقعیت باشد؛ چه طبقه‌ای از عناصر و چه یک حوزهٔ اجتماعی متمایز.

آنچه به عنوان مسئله اصلی این بخش می‌توان از آن نام برد، عبارت است از تبیین معنا و مفهوم نهادینه‌سازی. به عبارت دیگر، یکی از مسائل مهمی که باید در مطالعات اسلامی به دنبال پاسخ‌گویی به آن باشیم، در پاسخ به این سؤال نهفته است: واژگان یا مفاهیم متناسب با مفهوم نهادینه‌سازی در ادبیات اسلامی چیست؟

مفهوم و ماهیت نهادینه‌سازی از منظر قرآن

بعد از مشخص شدن نظریه‌های مطرح درباره نهادینه‌سازی در ادبیات رایج، بررسی ماهیت و مفهوم آن در ادبیات قرآنی مرحله بعدی از این تحقیق است. برای رسیدن به این هدف، چندین گام اساسی و پی‌درپی انجام شد که در ذیل فقط به عناوین اصلی آنها اشاره می‌شود:

- انتخاب کلیدواژه محوری؛
- بررسی کلیدواژه محوری؛
- بارگذاری کدها بر روی نرم‌افزار؛
- شروع کدگذاری با مطالعه کل قرآن (وثوقی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷ الف).

تعریف نهادینه‌سازی از منظر قرآن

برای تبیین مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن و ارائه تعریفی مشخص از آن می‌توان از نتایج حاصل، از پرسش‌نامه آزمون خبرگی، به عنوان شروع کار استفاده نمود؛ بدین معنا که مؤلفه‌های اصلی مفهوم نهادینه‌سازی، که می‌توان از کنار هم قرار دادن آنها به تعریفی مشخص رسید، عبارت‌اند از:

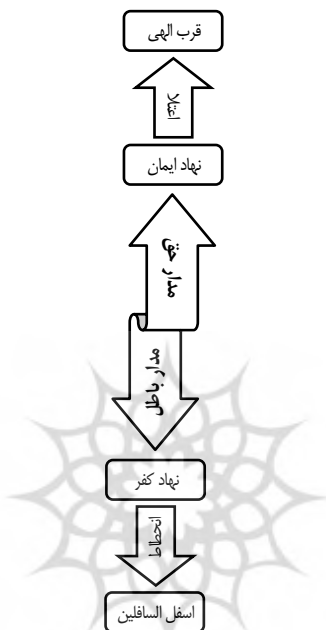
الف) «تثبیت» مفهوم کلیدی نهادینه‌سازی

ب) فرایندی بودن نهادینه‌سازی

نتایج حاصل از پرسش‌نامه دوم آزمون خبرگی (مراحل اصلی و گام‌های هر مرحله از نهادینه‌سازی از منظر قرآن)، نشانگر این مطلب بود که تمامی خبرگان بر فرایندی بودن نهادینه‌سازی تأکید دارند (نتایج حاصل از پرسش‌نامه دوم آزمون خبرگی). پس تا بدین جا می‌توان گفت که نهادینه‌سازی از منظر قرآن «فرایندی است برای تثبیت» با پایه قرار دادن این دو مؤلفه اصلی و رجوع به کدهای استخراج‌شده از متن قرآن، می‌توان مؤلفه‌های دیگر تعریف را استخراج نمود. نتیجه حاصل از بررسی آیات درباره ماهیت نهادینه‌سازی (وثوقی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷ الف)، بیانگر این مطلب است که نهادینه‌سازی از منظر قرآن، همان‌گونه که در نمودار (۱) قابل مشاهده است، به صورت یک پیوستار قابل تبیین است که در این پیوستار همواره برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها باید به نقطه مقابل آن، یعنی چگونگی عملکرد رقبا و دشمنان برای نهادینه‌سازی ضدارزش‌ها، توجه شود؛ به عبارت دیگر، نمی‌توان بدون توجه به عملکرد جبهه مقابل، فرایند تثبیت ارزش‌ها

را طی نمود. از این رو می‌توان نهادینه‌سازی را در قالب یک پیوستار در نظر گرفت که یک سمت پیوستار عبارت است از نهادینه شدن ارزش‌های الهی که در قالب نهادینه شدن «ایمان» و حرکت در مدار حق قابل تصور است و یک سمت دیگر این پیوستار می‌تواند نهادینه شدن ارزش‌های شیطنی باشد که در قالب نهادینه شدن «کفر» و حرکت در مدار باطل قابل تصور است. این پیوستار دارای ویژگی‌های برجسته‌ای است (وثوقی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸-۱۲۰).

نمودار ۱: پیوستار نهادینه‌سازی

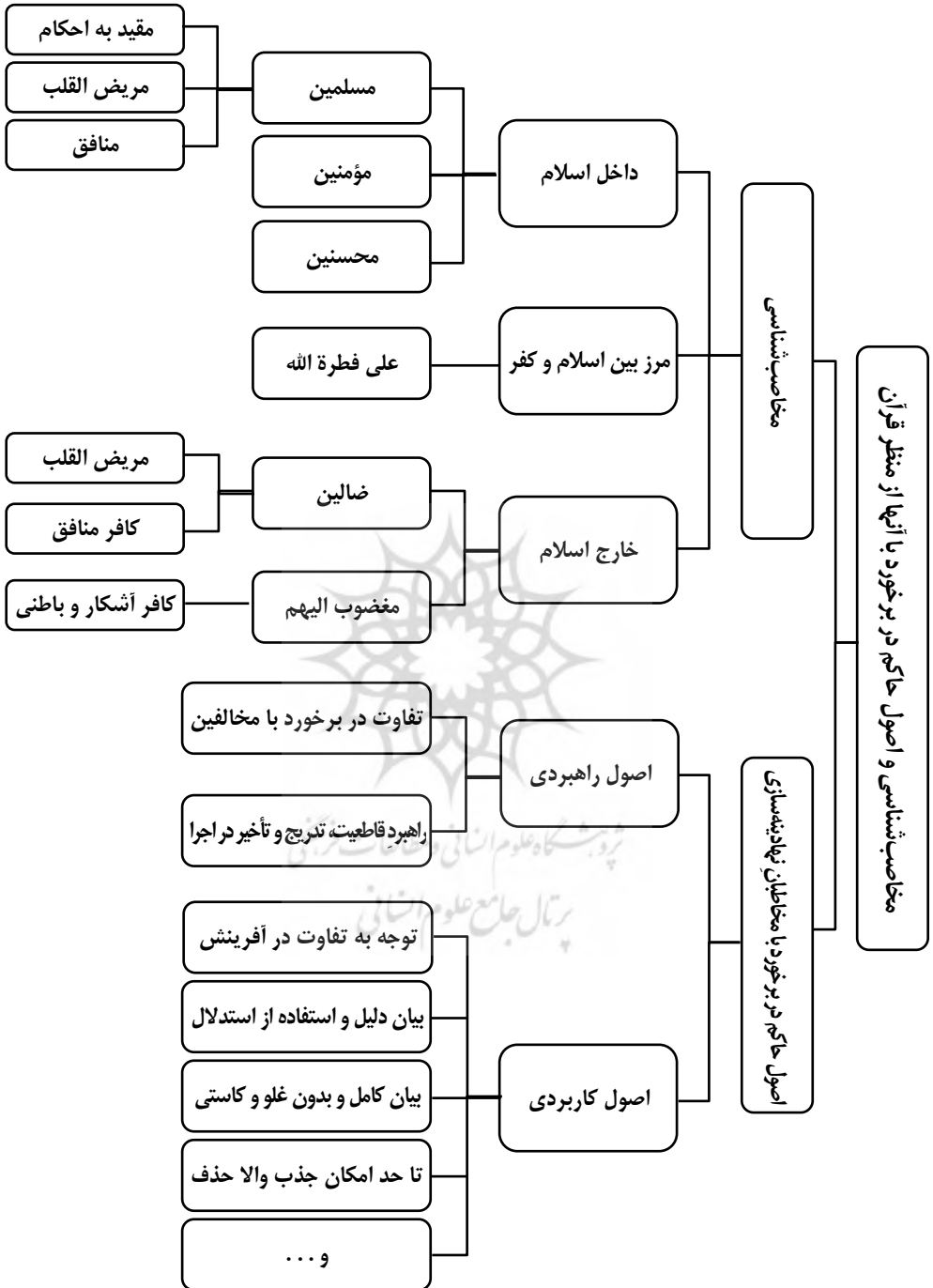


با در کنار هم قرار دادن مباحث مطرح‌شده در این قسمت، می‌توان نهادینه‌سازی را از منظر قرآن این‌گونه تعریف نمود: «نهادینه‌سازی از منظر قرآن فرایندی است پیوستارگونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد. جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان‌اند و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفر هستند».

مخاطب‌شناسی و اصول حاکم در برخورد با انواع مخاطب

بعد از روشن شدن ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن، که یک مقدمه کلیدی برای ورود به بحث اصلی می‌باشد، به بررسی دیدگاه قرآن درباره مخاطب‌شناسی و اصول حاکم در برخورد با انواع مخاطب، با توجه به دسته‌بندی آن، به‌عنوان یکی از عوامل و مؤلفه‌های اصلی موفقیت فرایند نهادینه‌سازی پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، برای تثبیت و تعمیق ارزش‌ها، در گام نخست باید مخاطبان را دسته‌بندی کرد و متناسب با هر دسته، روش‌ها و اصولی را به کار برد. همان‌گونه که در نمودار (۲) ملاحظه می‌شود، از عبارات قرآنی می‌توان گونه‌شناسی مخاطبان و اصول حاکم در برخورد با آنها را استخراج نمود.

نمودار ۲: مخاطب‌شناسی و اصول حاکم بر آن در نهادهای سازی از منظر قرآن



پیش از بیان و بررسی مخاطب‌شناسی در قرآن، مروری کوتاه در جایگاه مخاطب در ادبیات رایج ضروری به نظر می‌رسد. مخاطب و مخاطب‌شناسی در رشته‌های مختلف، مانند روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و مدیریت مورد بررسی قرار گرفته است. جایگاه مخاطب در مدیریت، در مباحث ارتباطات سازمانی مطرح شده و یکی از ارکان اصلی ارتباط به حساب می‌آید؛ از این‌رو این مفاهیم به‌صورت خلاصه بیان می‌شوند.

سازمان به‌عنوان بستر شکل‌گیری ارتباطات، با مجموعه‌ای از افراد سروکار دارد که در آن فعالیت‌ها به‌منظور تحقق اهداف هماهنگ می‌شود (میلر، ۱۳۸۶، ص ۶).

ارتباطات سازمانی شکلی از ارتباطات میان‌فردی است که در آن، روابط کاری کارکنان در یک سازمان مطرح می‌شود (بلیک و هارولدسن، ۱۳۸۷، ص ۴۲). ارتباطات مؤثر در سازمان موجب بالا رفتن بهره‌وری، رضایتمندی کارکنان و به‌تبع آن، انگیزه، در انجام کار مفید می‌شود (فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۳۱-۴۲). تحقیقات نشانگر آن است که نبود ارتباط مؤثر بین تصمیم‌گیران و مجریان، از مؤثرترین دلایل ناکامی سازمان‌ها در کنترل بحران‌ها می‌باشد (بلیک و هارولدسن، ۱۳۷۸، ص ۴۲).

ارتباط، سه عنصر اساسی را دربر می‌گیرد: فرستنده، پیام، و گیرنده (مخاطب) پیام، هر سه عنصر ویژگی‌هایی دارند که شناخت آنها باعث تأثیرگذاری و مؤثر بودن ارتباط می‌شود. ویژگی‌های مخاطب در ابعاد گوناگونی مطرح می‌شود که توجه به این ابعاد باعث مؤثر بودن ارتباط می‌شود (محسنیان راد، ۱۳۹۶، ص ۳۲۷-۳۶۹).

مخاطب و گیرنده پیام یکی از عناصر اصلی در هر فرایند ارتباطی است (محسنیان راد، ۱۳۹۰، ص ۳۹۳). مخاطب دارای مختصاتی است که شناخت آنها فرایند ارسال پیام را تسهیل می‌کند؛ چراکه پیام باید متناسب با نیازهای مخاطب ارسال گردد (رفیع‌پور، ۱۳۷۷، ص ۵۰۴).

مخاطب‌شناسی در قرآن

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی نهادهای سازی، شناسایی و تشخیص مخاطبان و فرق گذاشتن بین انواع مخاطب است. مخاطب‌شناسی در مطالعات دینی، مخصوصاً در باب ترویج و اشاعه ارزش‌های دینی، اهمیت فراوانی دارد؛ از این‌رو در قرآن کریم با توجه به رسالت انبیا برای تبلیغ و ترویج ارزش‌های الهی از طریق وحی، به جایگاه مخاطب به‌عنوان بندگان خداوند که باید هدایت شوند اهمیت ویژه‌ای داده شده است، چنان‌که در ادامه خواهید دید، از منظر قرآن می‌توان مخاطب‌های قرآن را در دو بخش داخل اسلام و خارج اسلام تقسیم نمود. در فرایند نهادهای سازی، همان‌گونه که در تعریف آن گذشت، کارگزاران نهادهای سازی همواره درصدد جذب و نهادهای سازی کردن سلسله‌مراتب ارزش‌های اسلامی، حتی در مخاطبان خارج اسلام، هستند. این امر ناشی از ویژگی‌های مشترکی است که انسان‌ها فارغ از اعتقاداتشان دارای آنها هستند؛ ویژگی‌هایی که در سرشت انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده‌اند، البته ذکر این نکته خارج از لطف نیست که ویژگی‌های مشترک فراوانی بین انسان‌ها وجود دارد که از قرآن قابل استفاده‌اند؛ ولی موضوع بحث

این نوشتار نیستند و فقط به ویژگی‌هایی اشاره می‌شود که در فرایند نهادینه‌سازی ارزش‌ها نقش محوری دارند و می‌توان بر مبنای این ویژگی‌های مشترک که در انسان به ودیعه گذاشته شده‌اند، در راستای دعوت و ایجاد انگیزش در او برای پذیرش این ارزش‌ها تلاش کرد. از نظر قرآن، مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) ابتیای نفس بر فطرت ایمان:

این آیه نفس انسانی بر فطرت ایمان دلالت دارد (هاشمی رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۳۱، ص ۳۵۴): «وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرُّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِيُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (حدید: ۸)؛ چرا به خدا ایمان نیاورید؟ درحالی که رسول (او) شما را می‌خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خرد)؛ اگر آماده ایمان آوردنید. یعنی اگر به‌راستی شما آمادگی برای پذیرش حق دارید، دلایل روشن است: هم از طریق فطرت و عقل و هم از طریق دلیل نقل. از یک سو پیامبر خدا ﷺ با دلایل روشن و آیات و معجزات باهرات به سراغ شما آمده؛ و از سوی دیگر، خداوند با نشان دادن آثارش در جهان آفرینش و در درون وجودتان یک نوع پیمان تکوینی از شما گرفته؛ به او ایمان بیاورید (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۲۳، ص ۳۱۶).

ب) نفس مستعد برای شناخت خوبی و بدی

«وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸۷)؛ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته؛ سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است.

اگر در آیه شریفه، هم تقوای نفس را الهام خوانده و هم فجور آن را، برای این بود که بفهماند مراد از این الهام این است که خدای تعالی صفات عمل انسان را به انسان شناسانده و به او فهمانده، عملی که انجام می‌دهد، تقواست و یا فجور است؛ علاوه بر تعریفی که نسبت به متن عمل و عنوان اولی آن کرده؛ عنوانی که مشترک بین تقوا و فجور است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۵۰۰).

«فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده: ۳۰)؛ نفس سرکش، کم‌کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ (سرانجام) او را کشت؛ و از زیانکاران شد.

با در نظر گرفتن این ویژگی‌های مشترک، در یک تقسیم‌بندی کلی دو تقسیم برای مخاطبان قابل تصور است: مخاطب داخل اسلام و مخاطب خارج از اسلام، که به‌صورت خلاصه توضیح داده می‌شود.

مخاطب داخل اسلام

چنان که گذشت، مخاطبان قرآن که می‌تواند به‌عنوان مخاطبان نهادینه‌سازی از آنها نام برد، به دو دسته اصلی مخاطب داخل اسلام و مخاطب خارج از اسلام تقسیم شده‌اند که مخاطبان داخل اسلام در یک تقسیم‌بندی، به مسلمین، مؤمنین و محسنین تقسیم می‌شوند.

الف) مسلمین

پایین‌ترین مرتبه الزامات دینی، مرتبه اسلام است. این مرتبه به الزامات فقهی - حقوقی نظر دارد؛ و شرعاً واجبات و محرمات و صحت و بطلان امور را در بر می‌گیرد. این سطح از دیانت، در یک پیوستار، از مقید به احکام آغاز می‌شود و در میانه، افراد مریض‌القلب و در نهایت، منافق را شامل می‌گردد. بیشترین وجهه همت رساله‌های عملیه، تبیین موارد یادشده برای عموم جامعه است. (نقی‌پورفر و موسوی‌مقدم، ۱۳۹۵). تعبیر الهی در سوره حجرات گویای آن است که این مرتبه ضرورت دارد؛ اما کفایت نمی‌کند؛ زیرا پذیرش ظاهری اسلام را در نظر دارد و هنوز عشق و ایمان قلبی را دربر نمی‌گیرد: «بادیه‌نشینان گفتند: ما [از عمق قلب] ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیآورده‌اید؛ بلکه بگوئید: اسلام آورده‌ایم؛ زیرا هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است؛ و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، چیزی از اعمال‌تان را نمی‌کاهد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» (حجرات: ۱۴).

ب) مؤمنین

الزامات اخلاقی همراه با الزامات فقهی - حقوقی، سطح تعهد مؤمنین را تذکر می‌دهد. کمترین ویژگی‌های اهل ایمان، با توجه به آیات، بدین قرار است: اهل نماز، اهل طهارت، اهل انس با قرآن، اهل مشورت، اهل صبر، اهل پرهیز از گناه، اهل عذر و اعتراف به گناه، اهل عذرپذیری از جاهلان، اهل انفاق، صداقت، وفای به عهد، امانت‌داری، رعایت صلۀ الهی، اهل عفت و حفظ ناموس، اهل امر به معروف و نهی از منکر، و اهل انتقام از ستمگران.

این ویژگی‌ها در آیات ذیل بیان شده‌اند: (بقره: ۲-۳، ۴۵ و ۱۲۱؛ آل عمران: ۱۷-۱۶ و ۱۳۵؛ اعراف: ۹۶؛ توبه: ۷۱، ۱۱۲ و ۱۱۷؛ رعد: ۲۱-۱۹؛ مؤمنونک ۱-۱۰؛ لقمان: ۱۷-۱۹؛ احزاب: ۳۵؛ فاطر: ۲۹؛ زمر: ۳۳؛ شوری: ۳۷-۴۳؛ معارج: ۱۹-۳۵؛ مزمل: ۲۰؛ مدثر: ۴۲-۴۴؛ ماعون: ۱-۷) (نقی‌پورفر و موسوی‌مقدم، ۱۳۹۵).

ج) محسنین

دیانت اهل یقین و احسان، ناظر به الزامات عرفانی همراه با الزامات اخلاقی و فقهی - حقوقی است که معصومان ﷺ و به تبع، علمای ربانی را دربر می‌گیرد. به متقین، واژه «محسنین»، ناظر به معصومان ﷺ از انبیا و ائمه اطهار ﷺ است؛ زیرا قرآن کریم بارها انبیا را «محسنین» می‌نامد (صافات: ۸۰-۷۹، ۱۱۰-۱۰۹ و ۱۲۰-۱۲۱). محسنین یا اهل یقین، همان صاحبان حکمت الهی‌اند (نقی‌پورفر و موسوی‌مقدم، ۱۳۹۵).

مرز بین اسلام و غیراسلام (علی فطره الله)

میان مخاطبان داخل اسلام و خارج از اسلام می‌توان خط مرزی را فرض کرد که متعلق است به افرادی که هنوز به هیچ کدام از این دسته‌ها تعلق نگرفته‌اند. البته تصور این افراد در عالم واقع بسیار سخت است و اگر افراد بسیار

محدودی می‌باشد، افرادی هستند که بر فطرت اصلی خود قرار گرفته‌اند و هنوز مسیر خود را انتخاب نکرده‌اند. در این نوشتار، این مخاطبان «علی فطرة الله» نامیده شده‌اند: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰).

«کلمه «فطرت» بر وزن فعلت، به اصطلاح اهل ادب بنای نوع را می‌رساند و در کلمه مورد بحث به معنای نوعی از خلقت است و «فِطْرَتَ اللَّهِ» به نصب خوانده می‌شود؛ چون در مقام واداری شنونده است و چنین معنا می‌دهد که ملازم فطرت باش؛ بنابراین در جمله مزبور اشاره است به اینکه این دینی که گفتیم واجب است برای او اقامه وجه کنی، همان دینی است که خلقت بدان دعوت و فطرت الهی به سویس هدایت می‌کند؛ آن فطرتی که تبدیل‌پذیر نیست (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص، ۲۶۷).

مخاطب خارج از اسلام

چنان که گذشت، مخاطبان قرآن که می‌تواند از آنها با عنوان مخاطبان نهادینه‌سازی یاد کرد - به دو دسته اصلی مخاطب داخل اسلام و مخاطب خارج از اسلام تقسیم شده‌اند. مخاطبان خارج از اسلام را نیز می‌توان در دو بخش «ضالین» و «مغضوب علیهم» تقسیم نمود: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (فاتحه: ۷).

الف ضالین

«ضالین» گمراهان عادی‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۴). این بخش نیز شامل افراد مریض‌القلب و منافق کافر می‌شود.

مریض‌القلب

«فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» (بقره: ۱۰)؛ در دل‌های آنان یک نوع بیماری است. خداوند بر بیماری آنان افزوده است؛ و به سبب دروغ‌هایی که می‌گفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنهاست. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (بقره: ۱۱)؛ و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می‌گویند: «ما فقط اصلاح‌کننده‌ایم!»

کافر منافق

در قرآن آیات فراوانی، شرح‌حال این دسته از مخاطبان را بیان نموده است. برای مثال، سوره مبارکه «منافقین» در همین زمینه است. علامه طباطبائی در ابتدای تفسیر سوره مبارکه «منافقون» می‌فرماید: «این سوره وضع منافقین را توصیف می‌کند و آنان را به شدت به عداوت با مسلمین متهم ساخته، رسول خدا ﷺ را دستور می‌دهد تا از خطر آنان برحذر باشد و مؤمنین را نصیحت می‌کند به اینکه از کارهایی که سرانجامش نفاق است، بپرهیزند تا به هلاکت نفاق دچار نگردند» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۴۶۹).

ب) مغضوب علیهم

«مغضوب علیهم» مرحله‌ای سخت‌تر و بدتر از «ضالین» است و به تعبیر دیگر، «ضالین» گمراهان عادی هستند و مغضوب علیهم گمراهان لجوج و یا منافق. به همین دلیل در بسیاری از موارد، غضب و لعن خداوند در مورد آنها ذکر شده «مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۴-۵۵». اینان کافران آشکار و باطنی هستند. در قرآن، آیات فراوانی (۱۳۷ نقل قول) درباره آنها نازل شده است.

به‌هرحال «مغضوب علیهم» کسانی‌اند که علاوه بر کفر، راه لجاجت و عناد و دشمنی با حق را می‌پیمایند و حتی از اذیت و آزار رهبران الهی و پیامبران در صورت امکان فروگذار نمی‌کنند. آیه ۱۱۲ سوره آل عمران می‌گوید: «غضب خداوند شامل حال آنها (یهود) شد؛ چراکه به خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران الهی را به‌ناحق می‌کشند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۵).

اصول حاکم در برخورد با مخاطبان نهادینه‌سازی

بعد از شناسایی و تقسیم‌بندی مخاطبان از منظر قرآن، سازوکارها و روش‌های نهادینه‌سازی با توجه به تقسیم‌بندی مخاطبان، مبحث مهم دیگری است که باید به آن پرداخته شود. همان‌گونه که در مؤلفه بعدی الگو (فرایند نهادینه‌سازی) نیز به آن اشاره خواهد شد، قرآن برای برخورد با مخاطبان در فرایند نهادینه‌سازی، همواره دو سازوکار اصلی را مدنظر دارد، یکی سازوکار تبیین (معرفت‌بخشی) و دیگری سازوکار الگودهی. البته در کنار این دو سازوکار اصلی، رعایت برخی اصول در مواجهه با مخاطبان ضروری است که به دو دسته اصول راهبردی و اصول کاربردی تقسیم می‌شوند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

اصول راهبردی

الف) تفاوت در برخورد با مخالفان

قرآن بین کافران تفاوت قائل است؛ یعنی کفاری که دشمنی می‌کنند و درصدد گمراه کردن مسلمانان هستند، با سایر کفار در مجازات و برخورد متفاوت‌اند، چنان‌که از آیات ۱۶۷-۱۶۹ سوره «نساء» می‌توان به آن پی برد و در جریان حضرت موسی علیه السلام و فرعون دستور این است که اول با قول لَیْنِ او رادعوت کن (طله: ۴۴). «برای نفوذ در قلوب مردم (هرچند افراد، گمراه و بسیار آلوده باشند)، نخستین دستور قرآن برخورد ملایم و توأم با مهر و عواطف انسانی است و توسل به خشونت، مربوط به مراحل بعد است که برخوردهای دوستانه اثر نگذارد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۲). پس این قول لَیْنِ برای همیشه قول لَیْنِ نیست؛ چه اینکه وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَیْمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَیْنَتْ لَهُمْ»؛ بعد فرمود: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِیْ هِیَ أَحْسَنُ». با احسن الأقوال سخن گفتن، با احسن روش سخن گفتن، با قول لَیْنِ سخن گفتن، برای اوایل امر است؛ برای کسانی که بخواهند آشنا شوند؛ اما اگر کسی با قول لَیْنِ و با قول جدال احسن و امثال ذلک به راه نیفتاد و بر عتو و فساد و طغیان او افزوده شد، کم‌کم این لَیْنِ قدری شدید می‌شود؛ درعین حال که سدید است؛ تا می‌رسد به جایی

که «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» این «وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» با «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ» منافات ندارد؛ بلکه برخورد لین در آغاز کار است و برخورد خشن در پایان امر و برای افراد خشن و منافق و کفار است. وجود مبارک موسای کلیم هم تا آخر قول لین نداشت. اوایل قول لین بود؛ اما وقتی از او سرکشی کردند، درگیری از دو طرف شروع شد.

ب) راهبرد قاطعیت، تدریج و تأخیر در اجرا

یکی از اصول راهبردی که با توجه به مخاطبان و جایگاه آنها از حیث معرفت و ظرفیت وجودی دارند، عبارت است از نحوه عمل در مقام اجرا. البته یک سوی آن نیز مربوط می‌شود به نوع عملی که قرار است در جامعه نهادینه شود. پس در اجرایی نمودن احکام، رفتارها و منش‌هایی که در صدد نهادینه‌سازی آن هستیم، دو جنبه را باید در نظر گرفت: یکی مخاطبان و میزان رشدی که دارند؛ دیگری نوع حکمی که قرار است اجرایی شود. در این زمینه با توجه به مقدمه بالا سه حالت به وجود می‌آید که در قالب راهبرد اجرای سه‌گانه قاطعیت، تدریج و تأخیر بیان می‌شود. در ادامه، اجمالی از سه راهبرد بیان خواهد شد و راهبرد تدریج به‌عنوان نمونه به‌صورت مصداقی در قرآن بررسی می‌شود.

قاطعیت در اجرا: در صورتی که ارزش‌های اسلامی قابلیت پذیرش داشته باشند، راهبرد قاطعیت عملیاتی می‌شود؛ مانند الزام به اقامه نماز و روزه در آغاز حکومت اسلامی پیامبر اسلام ﷺ و مانند آن.

تدریج در اجرا (راهبرد نسخ): در صورتی که ارزش‌های اسلامی فعلاً قابلیت پذیرش نداشته باشند، ولی قابل مرحله‌بندی باشند، راهبرد تدریج عملیاتی می‌شود؛ مانند حکم تدریجی حرمت شراب و قمار، ربا و برخورد با زنا و مانند آنها.

تأخیر در اجرا (راهبرد انشاء): در صورتی که ارزش‌های اسلامی فعلاً قابلیت پذیرش نداشته باشند و شرعاً هم قابل مرحله‌بندی نباشند، راهبرد تأخیر عملیاتی می‌شود؛ مانند حکم تأخیری وجوب حجاب، طهارت اهل کتاب و مانند اینها (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴). در ادامه مراحل، حرمت شراب مربوط به راهبرد تدریج در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. بیان مراحل حرمت شراب و قمار می‌تواند به‌عنوان یک نمونه تاریخی - قرآنی مطرح شود. مراحل و کارهایی که در فرایند حکمت شراب و قمار بیان شده‌اند، چیست؟

شراب‌خواری و می‌گساری در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام، فوق‌العاده رواج داشت و به‌صورت یک بلای عمومی درآمد بود، تا آنجا که بعضی از مورخان می‌گویند: عشق عرب جاهلی در سه چیز خلاصه می‌شد: شعر و شراب و جنگ! و نیز از روایات استفاده می‌شود که حتی بعد از تحریم شراب، مسئله ممنوعیت آن برای بعضی از مسلمانان فوق‌العاده سنگین و مشکل بود؛ تا آنجا که می‌گفتند: «ما حرم علينا شیء اشد من الخمر»؛ هیچ حکمی بر ما سنگین‌تر از تحریم شراب نبود. روشن است که اگر اسلام می‌خواست بدون رعایت اصول روانی و اجتماعی با این بلای بزرگ عمومی به مبارزه برخیزد، ممکن نبود؛ لذا از روش تحریم تدریجی و آماده ساختن افکار و اذهان برای ریشه‌کن کردن می‌گساری - که به‌صورت یک عادت ثانوی در رگ و پوست آنها نفوذ کرده بود - استفاده کرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۷۰).

این مطلب با تدبیر در آیات مربوط به این تحریم، که می‌بینیم چهار بار نازل شده است، کاملاً به چشم می‌خورد. بار اول فرموده است: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ، وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بَغْيَ الْحَقِّ». این آیه در مکه نازل شده و به‌طور کلی هر عملی را که مصداق «اثم» باشد، تحریم کرده (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۹۴). و دیگر فرموده که شرب خمر هم مصداق اثم است یا اینکه در آن اثمی کبیر است. احتمالاً این به جهت رعایت سهولت و ارفاق را بوده است که پیش‌تر گفتیم؛ چون سکوت از اینکه شراب هم اثم است، خود نوعی اغماض است؛ چنان‌که آیه شریفه «وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا» نیز اشاره به این اغماض دارد (چون شراب را در مقابل رزق نیکو قرار داده است) و گویا مردم، حتی اگر خداوند صراحتاً بفرماید شراب حرمتی بزرگ دارد، دست‌بردار نبودند. در مرحله بعد آیه شریفه «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى» در مدینه نازل شد و تنها از می‌گساری در بهترین حالات انسان و در بهترین اماکن، یعنی نماز در مسجد، نهی کرده است؛ سپس آیه ۲۱۹ سوره بقره - که مورد بحث ماست - نازل شد و فرمود: «يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ، قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ، وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا». این آیه بعد از آیه سوره «نساء» نازل شد - به بیانی که گذشت - و دلالت بر تحریم هم دارد؛ برای اینکه در اینجا تصریح می‌کند بر اینکه شرب خمر «اثم» است، و در سوره، اعراف به‌طور صریح بیان می‌کند که خداوند از هر چه مصداق اثم باشد، نهی کرده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۹۵).

اصول کاربردی

در مواجهه با مخاطبان و با توجه به تقسیمات آنها در مقام عمل، در راستای نهادینه کردن ارزش‌ها باید برخی اصول کاربردی را رعایت نمود که مهم‌ترین آنها از منظر قرآن عبارت‌اند از:

الف) توجه به تفاوت در آفرینش

در برخورد با قرآن کریم مخاطبان نهادینه‌سازی، باید به نوع آفرینش انسان توجه نمود. برای مثال در جریان وارد شدن ملکه سبا به حضرت سلیمان، نوع برخورد حضرت سلیمان با ملکه سبا بیانگر توجه ویژه ایشان به ظرافت و احساسات زنانگی وی بود که ناشی از تفاوت در نوع خلقت زن و مرد است؛ از این رو دستور داد کاخی با شرایط و ویژگی‌های خاص درست کردند که جاذبه‌های بصری فراوانی داشت.

«به او گفته شد: داخل حیاط (قصر) شو! هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد؛ اما سلیمان) گفت: (این آب نیست)؛ بلکه قصری است از بلور صاف!» (ملکه سبا) گفت: پروردگارا! من به خود ستم کردم؛ و (اینک) با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است، اسلام آوردم! (نمل: ۴۴).

سلیمان علیه السلام برای تسلیم کردن ملکه سبا که تمام قدرت و عظمت خود را در تخت و تاج زیبا و کاخ باشکوه و تشکیلات پرزرق‌وبرق می‌دانست، صحنه‌ای به او نشان داد که تمام دستگاه تجملاتش در نظر او حقیر و کوچک

شد. و این نقطه عطفی در زندگی او برای تجدیدنظر در میزان ارزش‌ها و معیار شخصیت گردید. چه مانعی دارد که به جای دست زدن به یک لشکرکشی پرضایعه و توأم با خونریزی، مغز و فکر ملکه را چنان مبهوت و مقهور کند که اصلاً به چنین فکری نینفد؛ به‌ویژه اینکه او زن بود و به این‌گونه مسائل تشریفاتی اهمیت می‌داد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص، ۴۸۲). مخصوصاً بسیاری از مفسران تصریح کرده‌اند که سلیمان علیه السلام پیش از آنکه ملکه سبا به سرزمین شام برسد، دستور داد چنین قصری بنا کردند و هدفش نمایش قدرت برای تسلیم ساختن او بود و لذا هنگامی که ملکه سبا، این صحنه را دید، «چنین گفت: پروردگارا! من بر خویشان ستم کردم!» «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي». «و با سلیمان در پیشگاه الله، پروردگار عالمیان، اسلام آوردم» «وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص ۴۸۳).

(ب) بیان دلیل و استفاده از استدلال

یکی دیگر از اصول کاربردی که در مواجهه با مخاطبان باید به آن توجه نمود، بیان دلیل و استفاده از استدلال است: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل: ۱۲۵). از آیه استفاده می‌شود که این سه قید، یعنی «حکمت» و «موعظه» و «مجادله»، همه مربوط به طرز سخن گفتن است. رسول گرامی مأمور شده که به یکی از این سه طریق دعوت کند که هر یک برای دعوت، طریقی مخصوص است؛ هر چند که جدال به معنای اخش دعوت به‌شمار نمی‌رود» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص، ۵۳۴). خداوند، با توجه به نگاهی که به انسان دارد و انسان را فطرتاً حق‌جو می‌داند، در آیات فراوانی به کارگزاران خود توصیه می‌کند که در مقام برخورد با مخالفان و دعوت آنها، به این اصل مهم توجه داشته باشند. این اصل تقریباً در قالب‌هایی مانند آوردن برهان (۱۰ نقل قول)، استفاده از استدلال در مناظره (۱۹۸ نقل قول) و بیان فلسفه احکام (۱۷ نقل قول) مشهود است که به‌طور خلاصه از هر کدام یک نمونه آورده می‌شود.

یک - آوردن برهان

یکی از نمودهای استفاده از اصل بیان دلیل و استفاده از استدلال از منظر قرآن، آوردن برهان است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء: ۱۷۴)؛ ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد. «کلمه: «برهان» به معنای بیان دلیل است و این کلمه بر وزن «فعالان» است مانند رجحان و «تنبیان» و بعضی از علمای ادب گفته‌اند: این کلمه مصدر است و فعل «بره بیره» از آن مشتق می‌شود که به معنای «روشن شد و روشن می‌شود» است. پس بر این حساب، این کلمه در هر حال مصدر است؛ ولی بسا می‌شود که در معنای فاعل استعمال می‌شود و این وقتی است که خود دلیل و حجت را برهان بخوانند؛ یعنی روشن‌کننده» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۲۴۸).

دو- استفاده از استدلال و مناظره

یکی دیگر از نمودهای استفاده از اصل بیان دلیل و استفاده از استدلال از منظر قرآن، استفاده از استدلال و مناظره است: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَفْلِينَ» (انعام: ۷۶)؛ هنگامی که تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد. گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم!» جمله «لَا أَحِبُّ الْأَفْلِينَ» حجتی است یقینی و برهانی بر مبنای محبت و عدم محبت؛ نه حجتی عوامانه و غیربرهانی» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص، ۲۵۹). در این آیه و آیات بعد، نوع مواجهه حضرت ابراهیم علیه السلام با افرادی که ستاره، ماه و خورشید می‌پرستیدند، مواجهه‌ی توأم با استدلال و مناظره است.

سه- بیان فلسفه احکام

یکی دیگر از نمودهای استفاده از اصل بیان دلیل و استفاده از استدلال از منظر قرآن، بیان فلسفه احکام است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳)؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده است؛ همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شد؛ تا پرهیز کار شوید. به دنبال چند حکم مهم اسلامی که در آیات پیشین گذشت، در آیات مورد بحث به بیان یکی دیگر از این احکام، که از مهم‌ترین عبادات محسوب می‌شود، می‌پردازد و آن روزه است و با همان لحن تأکیدآمیز گذشته می‌گوید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شده است، آن‌گونه که بر امت‌هایی که قبل از شما بودند، نوشته شده بود» «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ»؛ و بلافاصله فلسفه این عبادت انسان‌ساز و تربیت‌آفرین را در یک جمله کوتاه، اما بسیار پرمحتوا چنین بیان می‌کند: «شاید پرهیز کار شوید» «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۲۳).

ج) بیان کامل و بدون غلو و کاستی

یکی دیگر از اصول کاربردی که در مواجهه با مخاطبان باید به آن توجه نمود، عبارت‌است از بیان کامل و بدون غلو و کاستی در مواجهه با مخاطب، مخصوصاً مخاطب مخالف.

مسئله «غلو» درباره پیشوایان، یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های انحراف در ادیان آسمانی بوده است؛ از آنجاکه انسان علاقه به خود دارد، میل دارد که رهبران و پیشوایان خویش را هم بیش از آنچه هستند، بزرگ نشان دهد تا بر عظمت خود افزوده باشد. گاهی نیز این تصور که غلو درباره پیشوایان، نشانه ایمان به آنان و عشق و علاقه به آنهاست، سبب گام نهادن در این ورطه هولناک می‌شود. «غلو» همواره یک عیب بزرگ را به همراه دارد و آن اینکه ریشه اصلی مذهب یعنی خداپرستی و توحید را خراب می‌کند. به همین جهت، اسلام درباره غلات سخت‌گیری شدیدی کرده و در کتب «عقاید» و «فقه»، غلات از بدترین کفار معرفی شده‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۲۱).

د) تا حد امکان جذب، و گرنه حذف

یکی دیگر از اصول کاربردی که در مواجهه با مخاطبان باید به آن توجه نمود، اصل کاربردی جذب است تا زمانی که امکان دارد؛ و در صورتی که امکان جذب نباشد، باید از قاعده حذف مخالف استفاده نمود.

جذب حداکثری

چنان که اشاره شد از منظر قرآن در مواجهه با مخاطبان مردد و مخالف، تا جایی که امکان دارد، باید به جذب آنان اقدام نمود. این عمل می‌تواند به صورت «جذب افراد مردد»، «دعوت از دشمنان» و «مهلت دادن به مخالفان برای اندیشیدن» باشد.

جذب افراد مردد

در میان مخاطبان، گروهی هستند که با وجود ایمان، در برخی موارد دچار تزلزل هستند (به رحمت خدا امید ندارند). در آیات ۵۹ و ۴۸ «اعراف»، به مردان اعرافی معروف‌اند که به مؤمنان ملحق می‌شوند. در فرایند نهاده‌سازی، این افراد مردد باید جذب شوند و راهکارش هم این است که یقین پیدا کنند. از همین رو خداوند در صحنه قیامت نتایج عینی عملکرد کفار و مؤمنان را به آنها نشان می‌دهد تا به یقین برسند. ما نیز می‌توانیم از همین الگو استفاده کنیم: «و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هریک از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند؛ و به بهشتیان صدا می‌زنند که: «درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمی‌شوند؛ درحالی که امید آن را دارند (اعراف: ۴۶)، و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می‌افتد می‌گویند: «پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده!» (اعراف: ۴۷)، و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می‌شناسند، صدا می‌زنند و می‌گویند: «دیدید که گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزندی و تکبرهای شما، به حالتان سودی نداد!» (اعراف: ۴۸)، آیا اینها [= این واماندگان بر اعراف] همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند به خاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید؛ هم‌اکنون به آنها گفته می‌شود): داخل بهشت شوید که نه ترسی دارید و نه غمناک می‌شوید! (اعراف: ۴۹).

دعوت حتی از دشمنان

نمونه دیگری از جذب حداکثری از منظر قرآن، این است که حتی با مخالفانی که دشمن هستند نیز باید از در دعوت و خیرخواهی وارد شد، آیاتی از قرآن کریم (۱۵ نقل قول) به این مهم اشاره دارد.

«أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَهُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۷۴)؛ یا به سوی خدا باز نمی‌گردند و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟ (درحالی که) خداوند آمرزنده مهربان است

«احتمال دارد این استفهام مربوط به توبه و استغفار و به یادآور مغفرت و رحمت خدا باشد، احتمال هم دارد انکار و توبیح باشد، بنابراین معنایش این می‌شود: چرا توبه و استغفار نمی‌کنند و در طلب مغفرت و رحمت خدا بر نمی‌آیند؟» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۶ ص ۱۰۵).

مهلت به مخالف برای اندیشیدن

نمونه دیگری از جذب حداکثری از منظر قرآن، این است که مخالفان فرصت اندیشیدن داده شود. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه: ۶)؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل امنش برسان، چراکه آنها گروهی ناآگاه‌اند!

«این آیه متعرض حکم پناه دادن به مشرکین است که پناه خواهی می‌کنند و می‌فرماید پناهشان بدهید تا کلام خدا را بشنوند و این سخن هرچند در خلال آیات برائت و سلب امنیت از مشرکین جمله‌ای معترضه و یا شبیه به معترضه است، لیکن گفتنش واجب بود، چون در حقیقت دفع دخل و جواب از توهمی بود که حتماً می‌شد. آری، اساس این دعوت حقه و وعد و وعیدش و بشارت و اندازش و لوازم این وعد و وعید یعنی عهد و پیمان بستنش و یا پیمان شکستنش و نیز احکام و دستورات جنگی‌اش همه و همه هدایت مردم است و مقصود از همه آنها این است که مردم را از راه ضلالت به‌سوی رشد و هدایت برگردانیده و از بدبختی و نکبت شرک به‌سوی سعادت توحید بکشاند» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۲۰۵).

حذف مخالفان اصلاح نشو

اما اگر در نهایت امکان جذب مخالفان و افراد مردد به‌هیچ‌وجه وجود نداشت، در این مرحله برخورد و حذف افراد مخالف مطرح می‌شود (۱۵ نقل قول).

«وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُواكُمْ...» (بقره: ۱۹۱)؛ و آنان را [که از شرک و کفر و هیچ ستیمی باز نمی‌ایستند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید.

«پس معنای آیه این شد که علیه مشرکین مکه کمال سخت‌گیری را به خرج دهید و آنان را هر جا که برخوردید به قتل برسانید تا مجبور شوند از سرزمین و وطن خود کوچ کنند، همان‌طور که شما را مجبور به جلائی وطن کردند، هرچند که رفتار آنان با شما سخت‌تر بود، برای اینکه رفتار آنان فتنه بود و فتنه بدتر از کشتن است، چون کشتن تنها انسان را از زندگی دنیا محروم می‌کند، ولی فتنه مایه محرومیت از زندگی دنیا و آخرت و انهدام هر دو نشاء است» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۸۹).

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب این نوشتار می‌توان به این مطلب اشاره کرد که از منظر قرآن مخاطب‌شناسی به معنای شناخت دسته‌های هر گروه از مخاطبان، در تثبیت و تعمیق ارزش‌ها نقش محوری دارد، به‌عبارت دیگر، این مهم است که کارگزاران نهادهای سازای مخاطب خود را از حیث داخل اسلام بودن یا خارج از اسلام بودن بشناسند، یا مخاطبان داخل اسلام در چه سطحی هستند نوع برخورد با هر دسته متفاوت است چنانچه این موضوع در فرایند و مراحل آن نیز تأثیرگذار است.

از نگاه قرآن فرایند نهادینه‌سازی در یک پیوستار مشاهده می‌شود و دارای بعد مثبت و منفی است به عبارت دیگر، از منظر قرآن کارگزاران نهادینه‌سازی باید همواره به این نکته اساسی توجه داشته باشد که در کدام سمت پیوستار حرکت می‌کنند، در پیوستار نهادینه‌سازی از منظر قرآن بُعد مثبت آن را می‌توان در سه مرتبه دیانت (مسلمین، مؤمنین و محسنین) در نظر گرفت که سیر صعودی داشته و کارگزاران نهادینه‌سازی همچنانی که در الگو قابل مشاهده است در سه مرتبه اول سعی می‌کنند با تثبیت الزامات مربوط به آن (اجزای اصلی فرهنگ مطلوب اسلامی) مقدمات ارتقای سطح دیانت به مراتب بالاتر را فراهم کنند و همچنین سعی می‌کنند مخاطبان غیرمسلمان را به درجات بالاتر هدایت نمایند تا وارد سیر صعودی شده و مراتب را تا رسیدن به قرب الهی ادامه دهند. در مقابل نیز سیر سقوطی پیوستار قرار دارد که شیاطین انس و جن (کارگزاران نهادینه‌سازی کفر) در تلاش هستند با رخنه در مراتب ایمان مخاطبان آنها را به درجات پایین‌تر برده و به‌سوی انحطاط و کفر و نابودی بکشانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- بلیک، رید و ادوین هارولدسن، ۱۳۷۸، *طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات*، ترجمه مسعود واحدی، تهران، سروش.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷۷، *اناتومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰، *قی‌المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فرهنگی، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۸۶، *نظریه‌های ارتباطات سازمانی*، چ دوم، تهران، رسا.
- کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۵، *نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما)*، قم، دانشگاه قم.
- محسنیان‌راد، مهدی، ۱۳۹۶، *ارتباط‌شناسی*، چ هجدهم، تهران، سروش.
- _____، ۱۳۹۰، *ارتباط‌شناسی*، چ یازدهم، تهران، سروش.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۰، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۶، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- میلر، کاترین، ۱۳۸۶، *ارتباطات سازمانی*، ترجمه زهره خوشه‌نشین و همکاران، تهران، علامه طباطبائی.
- نقی‌پورفر، ولی‌الله و سیدمحمد موسوی‌مقدم، ۱۳۹۵، «گزینش مدیران و کارکنان از منظر اسلام با رویکرد به مؤلفه عقلانیت الهی به‌عنوان شاخص کلان شایسته‌سالاری»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ش ۳۹، ص ۲۰۳-۲۲۶.
- وثوقی‌راد، وحید و همکاران، ۱۳۹۷، «ماهیت و مفهوم نهادهای‌سازی از منظر قرآن»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ش ۱۶، ص ۶۱-۸۱.
- وثوقی‌راد، وحید و همکاران، ۱۳۹۷، *طراحی و تبیین الگوی قرآنی نهادهای‌سازی فرهنگ سازمانی از منظر قرآن*، رساله دکتری مدیریت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران، ۱۳۸۳، *تفسیر راهنما*، قم، بوستان کتاب.
- Berger, P. L., & Luckmann, T, 1991, *The Social Construction of Reality*, A Treatise in the Sociology of Knowledge, Penguin Adult.
- Hertzler, J.O, 1961, *American social institutions: a sociological analysis*, Allyn and Bacon.
- Hughes, Everett C, 1939, *Institutions*. In Robert E Park (ed.), *An Outline of the Principles of Sociology*, New York, Barnes & Noble.
- Meyer, J.W & Rowan, Brian, 1977, Institutionalized Organizations: Formal Structure as Myth and Ceremony. *American Journal of Sociology*, N. 83(2), p. 340-363.
- Meyer, J.W., & Scott, W.R, 1983, *Organizational environments: ritual and rationality*, Sage.
- Perrow, C, 1986, *Complex Organizations: A Critical Essay*: McGraw-Hill Companies, Incorporated.
- Scott, W. Richard, 1987, The Adolescence of Institutional Theory. *Administrative Science Quarterly*, N. 32(4), p. 493-511.
- _____ , 2009, *The Adolescence of Institutional Theory*, in H.L. Tosi (ed.), *Theories of Organization*, SAGE Publications.
- Selznick, P, 1957, *Leadership in administration; a sociological interpretation*. Evanston, Ill., Row.
- Wuthnow, R, 1984, *Cultural analysis: the work of Peter L. Berger, Mary Douglas, Michel Foucault, and Jürgen Habermas*, Routledge & Kegan Paul.
- Zucker, Lynne G, 1988, (ed.), *Institutional patterns and organizations: Culture and environment*, Boston, Ballinger Press.